

بازیابی اجتهادی مستندات حدیثی فقه امامیه (۲): از تخریج و تحلیل تا مقایسه و تطبیق
مورد مطالعه: الخلاف شیخ طوسی: مسئله هجده کتاب الحدود

دانشیار دانشگاه تهران، سطح چهار تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه قم | علی راد

| ۴۹۹ - ۵۲۱ |

۴۹۹

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

چکیده: مسئله اصلی این پژوهش، بازیابی و تحلیل و حدس علمی مستندات حدیثی امامیه در مسئله هجده کتاب الحدود، الخلاف شیخ طوسی است که فقط به تعبیر «اخبارهم» بسنده نموده است. در پژوه فرارو این مهم طی فرایندی حلقوی از تحلیل مسئله تا حدس مستندات حدیثی انجام شد. در این فرایند پژوهشگر ابتدا با درنگ در متن فقهی الخلاف به تفسیری شفاف از مسئله، حکم و دلایل فتوای فقیه دست یافت؛ سپس مفاهیم اساسی مسئله را استخراج نمود و به تصور مفهومی دقیق از ذهنیت شیخ طوسی در تقریر مسئله و فتوای او می‌پردازد و در امتداد آن با متدولوژی خاص بازیابی اجتهادی به تخریج نصوص اولیه مستند فتوای شیخ طوسی با استفاده از تلفیق روش لفظی - مفهومی اقدام نمود. پژوهشگر در فرایند رفت و برگشت میان مفاهیم مسئله با یافته‌های اولیه به مقایسه و سنجش پرداخت، در تحلیل هر متن وجه تشابه یا تفاوت آن را با مسئله هجده الخلاف بیان می‌کند. در این فرایند تحلیل تطورات متنی مسئله از مصادر حدیثی فقهی اولیه تا کتاب الخلاف و کشف زمینه‌ها و علل تغییرات احتمالی متون مسئله مدنظر پژوهشگر است و در نهایت حدس علمی خود را از مستند یا مستندات حدیثی شیخ طوسی در مسئله هجده الخلاف ارائه می‌کند. بر پایه نتایج این پژوهش، دو فرضیه در تبیین احادیث مدنظر شیخ طوسی در این مسئله میسر است: الف) حدیث عباد مکی؛ ب) حدیث زرار. هرچند ظاهر حدیث زرار همسوی با فتوای شیخ طوسی در مسئله است و از سوی کلینی و شیخ صدوق نیز گزارش شده است، بنا به دلایلی از جمله عدم گزارش آن در جوامع حدیثی شیخ طوسی نمی‌تواند مستند حدیثی شیخ طوسی در این فتوا باشد. حدیث عباد مکی به دلیل اعتماد شیخ طوسی به روایت آن از سه طریق متفاوت و همسویی آن با مفاد دلیل قرآنی فتوای شیخ طوسی به عنوان فرضیه معتبر در تبیین احادیث مدنظر شیخ طوسی در عبارت «اخبارهم» در فتوای ایشان پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شیخ طوسی، کتاب الخلاف، مسئله زناکار بیمار و معلول، حدیث امامیه، بینامتنیت حدیثی، بازیابی اجتهادی، تخریج متون حدیثی، نقد کتاب.

Tūmār (10)

Scholarly Reconstruction of Ḥadīth-Based Legal Sources in Imāmī Jurisprudence (2): From *Takhrīj* and Analysis to Comparison and Synthesis

Case Study: al-Mas'ala al-Thāmina 'Ashar (Issue Eighteen) of al-Khilāf by Shaykh Ṭūsī

Ali Rad

Abstract: This study aims to reconstruct, analyze, and critically hypothesize the Imāmī ḥadīth-based sources underlying Issue Eighteen of the “Ḥudūd” section in *al-Khilāf* by Shaykh Ṭūsī, where the jurist merely refers to “their reports” (*akbbārūhum*) without citing specific traditions. Through a circular, multi-step methodology—ranging from textual analysis to conceptual hypothesis—the researcher first engaged deeply with the legal formulation of the issue, its ruling, and Shaykh Ṭūsī’s reasoning, extracting key concepts and reconstructing the conceptual structure of his jurisprudential mindset. Using a specialized methodology of interpretive recovery

(*istidrāk*), combining lexical and conceptual analysis, the study performs *takbrīj* (source tracing) to identify primary textual roots. This iterative process involves cross-referencing the conceptual elements of the issue with early ḥadīth sources, analyzing textual evolution from early compilations to *al-Khilāf*, and exploring the causes behind changes in narrative formulation. Ultimately, the author proposes two likely ḥadīth sources: (a) the ḥadīth of ‘Abbād al-Makkī and (b) the ḥadīth of Zurārah. Although the latter aligns with Shaykh Ṭūsī’s fatwā and appears in *al-Kāfi* and the works of Shaykh Ṣadūq, its absence in Ṭūsī’s own ḥadīth collections disqualifies it as his likely source. In contrast, the ḥadīth of ‘Abbād al-Makkī—transmitted via three distinct chains and conceptually aligned with the Qur’ānic rationale of the fatwā—is posited as the more plausible basis for Ṭūsī’s reference to *akbbārubum*. **Keywords:** Shaykh Ṭūsī, *al-Khilāf*, juridical problem of the sick or disabled adulterer, Imāmī ḥadīth, intertextual ḥadīth analysis, interpretive recovery, *takbrīj* of ḥadīth texts, book critique

۵۰۰

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمد بن حسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) معروف به شیخ طوسی و شیخ الطائفة، از سرآمدن عالمان امامیه در دانش‌های فقه، اصول، کلام، حدیث و تفسیر قرآن در قرن پنجم هجری است. شیخ طوسی جایگاه سترگی در تاریخ و اندیشه امامیه دارد. آثار و آرای ایشان از گذشته تا کنون در اندیشه عالمان امامیه اثرگذار بوده است و همچنان هیمنه و سیطره شخصیت وی در گفتمان امامیه آشکار است^۱ و ادعای مرجعیت کتاب‌های شیخ طوسی به مثابه منابع اکتشاف نظریه امامیه در علوم مختلف، گزافه نیست. شیخ طوسی کتاب الخلاف خود را فقه مقارن در مسائل فقهی معرفی می‌کند و بر این مهم تأکید که مذهب امامیه نظریه فقهی خاص خود را در کنار سایر مذاهب فقهی دارد و اختلاف‌های فقهی آن با مذاهب از بنیان‌های استوار قرآنی، حدیثی و اصول فقهی برخوردار است. شیخ طوسی در مقام بیان روش استدلال خود در هر مسئله از کتاب الخلاف چنین تصریح دارد: احتجاج به هر آنچه موجب علم باشد، از ظواهر آیات قرآن، سنت قطعی الصدور، اجماع، دلیل خطاب، استصحاب، دلالت اصل، فحوی خطاب، حدیث نبوی از اخبار عامه که مخالفان بدان التزام عملی دارند، به همراه حدیثی از احادیث شیعه که مضمون حدیث نبوی را از پیامبر (ص) یا امامان شیعه روایت کرده باشد.^۲

مسئله هجده کتاب الخلاف به بیان حکم حد زناکار مجرد و بیماری اختصاص دارد که به تداوم حیات وی امیدی نباشد. شیخ طوسی به کفایت اجرای حد زنا با ترکه صحتایی از شاخه درختان استناد می‌جوید و در مقام اقامه دلایل فتوای خود از احادیث امامیه - «و اخبارهم» - به عنوان یکی از مستندات فتوای خود در کنار اجماع و آیه سوگند ایوب (ع) یاد می‌کند: «دلیلنا: إجماع الفرقه وأخبارهم وأيضاً قوله تعالى: وخذ بيدك ضغثاً فاضرب به ولا تحنث...»^۳. شیخ طوسی با استناد به این دلایل، کفایت ترکه صحتایی بدل از شلاق در فرض مسئله مذکور را دیدگاه

۱. برای آشنایی بیشتر با ابعاد متنوع شخصیت علمی شیخ طوسی، بنگرید: علی دوانی، هزاره شیخ طوسی، تهران: دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۴۹ ش؛ محمد واعظزاده خراسانی، یادنامه شیخ طوسی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴ ش؛ مهدی زارع کمپانی، طوسی پژوهی، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۲ ش؛ شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محقق: أحمد حبیب قصیر العاملي، ج ۱، ص ۱-۷۴.

۲. «وأن أقرن كل مسألة بدليل نحتج به على من خالفنا، موجب للعلم من ظاهر قرآن، أو سنة مقطوع بها، أو إجماع، أو دليل خطاب، أو استصحاب حال - على ما يذهب إليه كثير من أصحابنا - أو دلالة أصل، أو فحوى خطاب. وأن أذكر خبراً عن النبي (صلى الله عليه وآله)، الذي يلزم المخالف العمل به، والانتقاد له. وأن أشفع ذلك بخبر من طريق الخاصة المروي عن النبي (صلى الله عليه وآله) والأئمة (عليهم السلام)» (شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۴۵).

۳. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۳۷۹ - ۳۸۰.

رسمی مذهب امامیه معرفی می‌کند. در مطالعه مسئله هجده کتاب الخلاف، چالش فراوری حدیث پڑوهان مدرن^۱ با رویکرد مطالعات حدیثی معاصر،^۲ اشاره نکردن شیخ طوسی به مفاد و مضمون این احادیث است و برای پژوهشگران روشن نیست احادیث مدنظر شیخ طوسی کدام است؟ زیرا شیخ طوسی فقط به تعبیر کلی و مبهم «واخبارهم» بسنده می‌کند و از هرگونه ارجاع به مصادر این احادیث نیز اجتناب ورزیده است. شاید پیش فرض شیخ طوسی این است که متخصصان در فقه و حدیث امامیه و فقیهان زبده در فقه تطبیقی میان مذاهب اسلامی با این مستندات آشنا هستند و نیازی به ذکر یا حتی اشاره به مفاد آن نیست؛ ولی نیک می‌دانیم که اولاً امروزه چنین متخصصان حدیث انگشت‌شمارند؛ ثانیاً آحاله و ارجاع به نخبگان برخلاف اصول تألیف و اخلاق پژوهش است که عامدانه کاستی کتاب خود را به دیگران ارجاع دهیم.

هرچند رویه شیخ طوسی در کتاب الخلاف بر ایجاز استوار است و دلیل آن را پرهیز از اطاله بحث و ملال‌انگیز شدن کتاب بر خواننده گفته است،^۳ در مستندات حدیثی بر خلاف این رویه را شاهد هستیم. در مسئله هجده الخلاف، التزام عملی شیخ طوسی به تعهد خود در گزارش مستندات حدیثی ادله فتاوی‌اش را شاهد نیستیم. معنای متبادر از تعبیر «ذکر خبر» در متن تعهد عبارت شیخ طوسی، گزارش اصل متن حدیث یا مضمون آن به عنوان مستند حدیثی فتواست و تعبیر کلی «اخبارهم» جانشین معنایی آن نیست. رویه شیخ طوسی در بیشتر مسائل الخلاف، اشاره به فحوای کلی حدیث یا ذکر بخش مهمی از مضمون آن^۴ یا تصریح به وجود مستندات حدیثی حکم در کتاب تهذیب الأحکام^۵ است و این رویه نه تنها موجب اطاله بحث نیست، بلکه به دلیل نیاز خواننده کتاب، گزارش این مستندات یا مشخص کردن منبع دستیابی به آن لازم است.

۵۰۲

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. روشن است که نوادر از حافظان حدیث، افراد بسیارداران با اشراف کامل بر احادیث مسلمین از شمول این عنوان خارج هستند. این گروه از دانایان متبحر و متخصصان زبده نیز در بازایی مستندات حدیثی از الگوی ارتکازی ویژه بهره‌مند هستند. اصل این الگو از مؤلفه‌های خاص برخورداری است که به مرور در ذهن این گروه تثبیت و نهادینه شده است. واکاوی و ترسیم این الگو مسئله این پژوهش نیست، ولی سنجش نتایج آن از مسائل این تحقیق است.
۲. مقصود مطالعات و پژوهش‌های حدیثی مدرن رایج در دانشگاه‌های غرب و جهان اسلام است که مبانی، رویکرد و روش‌های خاص خود را در مطالعه حدیث مسلمین دارد و الزاماً پابندی به موازین و اصول پژوهش‌های حدیثی کلاسیک مسلمانان نیستند.
۳. «... وأن أتعهد في ذلك الإيجاز والاختصار، لأن ذلك يطول، وربما مل الناظر فيه» (شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۴۵).
۴. برای نمونه بنگرید: شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۲۳۸ - ۲۳۹، ص ۲۴۲، ص ۲۶۴ - ۲۶۵؛ ج ۲، ص ۴۵۰؛ ج ۳، ص ۵۰۹ - ۵۱۰؛ ج ۶، ص ۳۳ - ۳۴، ص ۵۳۴.
۵. برای نمونه بنگرید: شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۲۳۹، ص ۲۵۷، ص ۲۵۹، ص ۲۶۰ - ۲۶۱، ص ۳۳۹ - ۳۴۰، ص ۴۱۸؛ ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۷۰، ص ۲۸۱، ص ۳۳۲ - ۳۳۴.

شیخ طوسی در مقدمه الخلاف خود را به گزارش سنت نبوی از طرق عامه و امامیه به عنوان دلیل حدیثی حکم هر مسئله متعهد کرده است.^۱ بر پایه این تعهد، روش شناسی شیخ در بیان ادله خود ابتدا حدیث حاکی سنت نبوی از اخبار عامه را روایت می‌کند و سپس مضمون همان سنت نبوی را از طریق احادیث شیعه از رسول خدا (ص) یا ائمه شیعه (ع) گزارش می‌کند تا برای مذاهب دیگر الزام‌آور باشد؛ چراکه اعتبار سنت نبوی فرامذهبی است و از حجیت برخوردار است. برای نمونه در مسئله شصت و شش در موضوع «وجوب الغسل عند التقاء الختانی» در مقام بیان مستندات حدیثی حکم مسئله، ابتدا حدیثی را از طریق عامه - به روایت ابوهریره از رسول خدا (ص) - گزارش می‌کند و در ادامه مضمون روایت ابوهریره را از امام رضا (ع) گزارش می‌کند تا همسویی مضامین احادیث امامیه با سنت نبوی از طریق عامه را نشان دهد.^۲

چالش بسنده کردن به تعبیر کلی و مبهم «واخبارهم» در مقام بیان ادله حکم، اختصاص به مسئله هجده کتاب الخلاف ندارد و این چالش در شماری از مسائل دیگر این کتاب نیز وجود دارد.^۴ بنابراین اتخاذ رویکردی علمی در مواجهه با این چالش و داشتن یک الگوی روشمند و توجیه‌پذیر در حل آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

مسئله و دامنه این پژوهش، بازبایی اجتهادی، تحلیل و ارزیابی مستندات حدیثی مسئله هجده کتاب الخلاف شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) است. در بخش نخست این مقاله به تبیین ابعاد نظری بازبایی اجتهادی مستندات حدیثی مسئله هجده کتاب الخلاف شیخ طوسی پرداختیم. این مقاله به جنبه تطبیقی آن ناظر است و بر پایه اصول و قواعد بازبایی اجتهادی نصوص

۱. «وأن أذكر خبراً عن النبي (ص)، الذي يلزم المخالف العمل به، والانقياد له. وأن أشفع ذلك بخبر من طريق الخاصة المروي عن النبي (ص) والأئمة (ع)» (شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۴۵).

۲. «مسألة ۶۶: إذا التقى الختانان وجب الغسل، سواء أنزل أو لم ينزل. ... دليلنا: إجماع الفرقة، وأخبارهم، وطريقة الاحتياط تقتضيه أيضاً. وروى أبوهريرة أن النبي صلى الله عليه وآله قال: إذا قعد بين شعبي الأربع والتصق ختانه بختانه فقد وجب الغسل، أنزل أو لم ينزل. وروى أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن إسماعيل قال: سألت الرضا عليه السلام عن الرجل يجامع قريباً من الفرج فلا ينزلان، متى يجب الغسل؟ فقال: إذا التقى الختانان فقد وجب الغسل، قلت التقاء الختانی هو غيبوبة الحشفة؟ قال: نعم» (شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۱۲۴ - ۱۲۵).

۳. نمونه‌های دیگر را بنگرید: شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۱۲۶، ص ۱۲۸، ص ۱۲۹، ص ۱۳۲، ص ۲۳۲، ص ۲۵۲، ص ۳۳۹.

۴. برای نمونه بنگرید: شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۲۵۰، ص ۲۵۶، ص ۴۲۷، ص ۴۳۷، ص ۵۲۳، ص ۵۴۴، ص ۶۱۰؛ ج ۲، ص ۳۱، ص ۸۱، ص ۱۱۸، ص ۱۵۵، ص ۱۷۹، ص ۲۱۸، ص ۲۲۲، ص ۲۵۳، ص ۲۷۱؛ ج ۳، ص ۲۰، ص ۴۶، ص ۶۶ - ۶۷، ص ۱۱۲، ص ۵۶۵ - ۵۶۶؛ ج ۴، ص ۵، ص ۱۲، ص ۱۶، ص ۱۹، ص ۲۲، ص ۲۳، ص ۲۶، ص ۲۷؛ ج ۵، ص ۱۳، ص ۱۴، ص ۲۰، ص ۲۹، ص ۳۰، ص ۳۶؛ ج ۶، ص ۹، ص ۱۹، ص ۲۳، ص ۲۹، ص ۴۵، ص ۴۸، ص ۴۱۳.

فقهی، به بازیابی علمی و روشمند مستندات حدیثی مدنظر شیخ طوسی در عبارت «اخبارهم» در مسئله هجده الخلاف می‌پردازد. این مهم طی فرایندی حلقوی از تحلیل مسئله تا حدس مستندات حدیثی امکان‌پذیر است. در این فرایند پژوهشگر ابتدا با درنگ در متن فقهی الخلاف به تفسیری شفاف از مسئله، حکم و دلایل فتوای فقیه دست یافت و کوشید تا مفاهیم اساسی مسئله را استخراج نماید و به تصور مفهومی دقیقی از ذهنیت شیخ طوسی در تقریر مسئله و بیان حکم آن دست پیدا کند؛ سپس با متدلوژی خاص بازیابی اجتهادی به تخریج نصوص اولیه مستند فتوای شیخ طوسی با استفاده از تلفیق روش لفظی - مفهومی اقدام می‌کند. پژوهشگر در فرایند رفت و برگشت میان مفاهیم مسئله با یافته‌های اولیه به مقایسه و سنجش می‌پردازد و در تحلیل هر متن، وجه تشابه یا تفاوت آن را با مسئله هجده الخلاف بیان می‌کند. در این فرایند تحلیل تطورات متنی مسئله از مصادر اولیه تا کتاب الخلاف و کشف زمینه‌ها و علل تغییرات احتمالی متون مسئله مدنظر پژوهشگر خواهد بود و در نهایت حدس علمی خود را از مستند یا مستندات حدیثی شیخ طوسی در مسئله هجده الخلاف ارائه می‌کند.

هرچند پژوهش حاضر از نوع تحقیقات اکتشافی است و امکان ارائه فرضیه تحقیق پیش از پژوهش درباره مسئله اصلی آن میسر نیست، پیش‌فرض کلی پژوهشگر چنین است:

از نگاه شیخ طوسی وجود مستندات حدیثی حکم مسئله هجده در میراث حدیثی امامیه قطعی است؛ زیرا تعبیر «و اخبارهم» در عبارت ایشان صریح در این معناست. وثاقت، عدالت و جایگاه سترگ شیخ طوسی در انتساب قطعی این احادیث به مذهب امامیه، پشتوانه نظری این پیش‌فرض است. این پژوهش بر امکان و لزوم بازیابی مستندات حدیثی تأکید دارد و رهیافت امتناع یا عدم لزوم آن را مخدوش می‌داند. تلفیق روش لفظی با مفهومی در بازیابی این مستندات کارآمد است و نتایج موجهی را در حدس علمی مستندات حدیثی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. فرایند بازیابی اجتهادی دوسویه، هرمی و درهم‌تنیده است و بر چندین گام اساسی استوار است. نشانه‌های متنی موجود در متن مسئله و فتوای شیخ، پیشینه و نمونه‌های مشابه آن در جوامع فقهی - حدیثی شیعه و عامه از مصادر بازیابی اجتهادی است.

با محوریت مسئله این پژوهش و رهیافت تحلیل انتقادی آن در پاسخ به مسئله، پژوهش نشریافته‌ای به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی به دست نیامد. واکاوی این مسئله از دو سو اهمیت دارد؛ هیمنه آرای شیخ طوسی در فقه امامیه و مرجعیت کتاب الخلاف در بیان آموزه‌های فقه امامیه.

۵۰۴

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. مصادر و متون مستندات حدیثی مسئله هجده/الخلاف

این جستار به بازیابی مسئله هجده کتاب الخلاف در منابع شیعه^۱ پیش از تدوین این کتاب از سوی شیخ طوسی اختصاص دارد؛ بنابراین کتاب‌های شیخ طوسی که پیش از الخلاف تألیف آنها نهایی شده است، در قلمرو منابع بازیابی قرار دارند. مقصود از بازیابی مسئله، تخریج متونی است که با مسئله هجده الخلاف پیوند موضوعی - حکمی داشته باشند. این پیوند طیف متنوعی از گونه‌های ارتباط را دربر می‌گیرد که از جمله مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: گزارش موضوع و حکم مسئله بدون هیچ‌گونه کم‌وکاست و تفاوت در متن و الفاظ و عبارات، گزارش موضوع مشابه مسئله با تفاوت در عبارات و الفاظ با حفظ معنا و مضمون مسئله، گزارش حکم مسئله با تفاوت در الفاظ و نوع حکم. گستره منابع مدنظر برای بازیابی شامل آثار فقهی، تفسیری و حدیثی شیعه در بازه زمانی قرن اول تا پیش از تألیف کتاب الخلاف در قرن پنجم هجری است.

نظر به اینکه واکاوی منابع عامه در مسئله مشابه در جستار پیشین گذشت، از تکرار آن در این بخش خودداری نمودیم؛ اما توجه به نتایج آن از این منظر ضرورت دارد که می‌تواند در تشخیص منتقله بودن حدیث یا تقیه‌ای بودن آن کارآمد باشد، تقدم و تأخر احادیث شیعی در برابر متون عامه را تعیین نماید، بستر تاریخی صدور احادیث امامیه در موضوع مسئله را روشن سازد، رابطه‌های پنهان صوری و معنایی احادیث امامیه با عامه را بر پایه نقد ادبی رایج در مطالعات بینامتنیت روشن کند و متن پنهان و متون محوشده در متن مسئله را آشکار نماید. بازیابی در فرایندی دوسویه میان متن مسئله با منابع و منابع با مسئله صورت می‌پذیرد و نتایج به‌دست‌آمده از بازیابی مسئله پس از عبور از غربال‌گری و نقد متن به عنوان بازیابی نهایی و منتخب ارائه می‌شود. بنابراین نتایج اولیه بازیابی بدون نقد و سنجش با دیگر نتایج قابل استناد نیستند. در بازیابی افزون بر روش جستجوی مفهومی و مطالعه ابواب مرتبط با مسئله، از روش جستجوی لفظی واژگان بنیادین مسئله نیز استفاده شده است. فهرست واژگان منتخب برای جستجو عبارت‌اند از:

۱. اعم از دوازده امامی و مذاهب شیعی چون زیدیه، اسماعیلیه نیز در دامنه بازیابی داخل هستند؛ زیرا محتمل است مستند حدیثی از طریق فرق شیعی در جوامع حدیثی امامیه راه یافته باشند؛ بنابراین در مرحله بازیابی - تا حد امکان - جستجو به منابع دوازده امامی محدود نگردید.

اوصاف زانی	اصاب حداً	مريض زنى	مقعد	بكر زنى	به قروح	خافوا ان يموت
	عليه الحد	حد المريض	مجذوم	فجر	مدنف	على الموت
	فجلده	جلد المريض	اجرب	وقع على	صاحب	المأیوس منه
	اقیم الحد	أجزأه من الجلد		دخل على	الحصبة	
اجرای حد زنا	أطراف الثياب والنعال	أثكال النخل	مائة شمراخ	مائة عود	ضربة واحدة	ضغثا فاضرب به
		عرجون النخل			ضرب مائة	
		عدة القضبان	حزمة	اصل	مرة واحدة	

۱-۱. مسائل علی بن جعفر (ق ۲)

مسائل الحدود

متن (۷۳۴): «وقال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله أتى بامرأة مريضة ورجل أجرب مريض قد بدت عروق فخذه قد فجر بامرأة. فقالت: المرأة لرسول الله صلى الله عليه وآله أتيتها، فقلت له: أطعمني واسقني فقد جهدت. فقال: لا، حتى أفعل بك، ففعل. فجلده - رسول الله صلى الله عليه وآله - بغير بينة مائة شمروخ، ضربة واحدة، وخلي سبيله، ولم يضرب المرأة»^۱.

تحلیل

اول: روایت به اوصاف جسمانی شخص زناکار از جمله بیماری، اجرب بودن (بیماری گری و کچل بودن)، بیرون زدن رگ های ران وی تصریح دارد. احتمال دارد که جمله «قد بدت عروق فخذه» قرینه ای برای تفسیر نوع بیماری مرد زناکار باشد. با توجه به نشانه های متنی در توصیف زانیه، نوع زنا از نوع مکره است و زن به اجبار به زنا تن داده است؛ بنابراین حدی بر وی جاری نشد و جمله نهایی حدیث بر آن تصریح دارد؛ ولی در مسئله الخلاف به اجبار مرد زناکار اشاره نشده است؛ روشن است که اجبار در تغلیظ حکم اثرگذار است.

دوم: این حدیث درباره قید «المایوس منه» و «بکر بودن» وی که از مؤلفه های اساسی متن مسئله الخلاف هستند، ساکت است؛ بنابراین فرض مسئله این روایت در اوصاف و خصوصیات به استثنای بیماری زناکار با اوصاف زناکار در مسئله الخلاف انطباق ندارد و برای جلوگیری از

۱. مسائل علی بن جعفر، ص ۲۸۹.

تأثیر اجرای حد در مرگ این زناکار، تازیانه‌ها فقط بر پشت وی نواخته شود؛ ولی در مسئله الخلاف چنین خصوصیتی جسمی برای زناکار بیان نشده است و فقط به احتمال مرگ او پیش از اجرای حد و تأثیر اجرای حد صد شلاق مجزا و مستقل در مرگ اشاره شده است که برای ممانعت از ائتلاف در اثر حد به یک ترکۀ صدماتی تبدیل شده است.

سوم: عبارت «فجلده - رسول الله صلى الله عليه وآله - بغير بينة مائة شمروخ، ضربة واحدة» بر این مفهوم دلالت دارد که در سنت نبوی حکم این زناکار همان جلد با صد شاخه درخت خرما بود که فقط از ضد ضربه شلاق به یک ضربه ترکۀ صدماتی تبدیل شد و متن حدیث به تخفیف دیگری بیش از این دلالتی ندارد.

چهارم: متن حدیث فاقد استناد به آیه‌ای از قرآن برای تبیین حکم است.

۲-۱. الأحكام، یحیی بن حسین (۲۹۸ق)

کتاب الحدود

متن (۲): عن رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وسلم أنه أتى برجل مريض أصيفر أحبن قد خرجت عروق بطنه يكاد يموت - في بعض الحديث قد زنا - فدعا النبي صلى الله عليه وعلى آله وسلم بعثكول فيه مائة شمروخ فضربه به ضربة واحدة.^۱

تحلیل

اول: اوصاف مرد زناکار: مردی زردنبوی گنده شکم که رگ‌های شکمش آشکار شده بود و به دلیل شدت بیماری در حال مرگ بود. جمله بعد از مريض، وصف بیماری اوست.

دوم: عبارت «فدعا النبي صلى الله عليه وعلى آله وسلم بعثكول فيه مائة شمروخ فضربه به ضربة واحدة» بر این مفهوم دلالت دارد که در سنت نبوی حکم این زناکار همان جلد با صد شاخه درخت خرما بود که فقط از ضد ضربه شلاق به یک ضربه ترکۀ صدماتی تبدیل شد و متن حدیث به تخفیف دیگری بیش از این دلالتی ندارد.

سوم: متن حدیث فاقد استناد به آیه‌ای از قرآن برای تبیین حکم است.

۱. یحیی بن حسین، الأحكام، ج ۲، ص ۲۳۲.

۳-۱. قرب الإسناد: عبدالله بن جعفر حمیری (۳۰۴ق)

باب الحدود

متن (۱۰۱۶): «إن رسول الله صلى الله عليه وآله أتى بامرأة مريضة، ورجل أجرب مريض قد بدت عروق فخذه، قد فجر بامرأة، فقالت المرأة لرسول الله صلى الله عليه وآله: اتيتك، فقلت له: أطعمني واسقني فقد جهدت، فقال: لا، حتى أفعل بك، ففعل. فجعله رسول الله صلى الله عليه وآله بغير بينة مائة شمرخ ضربة واحدة، وخلي سبيله، ولم يضرب المرأة»^۱.

تحلیل

اول: با متن مسائل علی بن جعفر تفاوت اساسی ندارد.

۴-۱. الجعفریات أو الأشعثیات: محمد بن اشعث کوفی (۳۱۳ق)

کتاب الحدود

متن (۹۰۵): أخبرنا عبدالله، أخبرنا محمد، حدثني موسى، قال: حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده، جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده، عن أبيه، عن علي (عليهم السلام)، قال: «أتى رسول الله (صلى الله عليه وآله) بمريض مدنف قد أصاب حدا، فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله): أما كان لك في نفسك شغلا عن الحرام؟! فقال: يا رسول الله ركبني أمر لم أكن لأضبطه، فقال: ذروه حتى يبرأ ثم يقام عليه الحد»^۲.

تحلیل

اول: جمله «بمريض مدنف قد أصاب حدا» با وجود اشاره به بیماری شخص، نوع حد وی را مشخص نمی‌کند؛ زیرا تعبیر «الحرام»، «حداً» و «الحد» اطلاق دارند و قرینه «رکبني أمر لم أكن لأضبطه» صریح در انصراف آن به حد زنا نیست و می‌تواند بر سرقت، قذف، شرب خمر و غیر آن نیز منصرف باشد.

دوم: از سیاق متن این مهم استنباط شدنی است که مریضی مرد مذکور چنان شدت نداشته است که امید به مرگ وی و فوت اجرای حد شود؛ بنابراین به دستور رسول خدا (ص) اجرای حد تا حصول سلامتی وی به تأخیر افتاد.

۱. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد، ص ۲۷.

۲. محمد بن اشعث کوفی، الجعفریات أو الأشعثیات، ج ۱، ص ۳۶۷.

سوم: با توجه به نکات پیشین، این متن نیز تطبیق پذیر بر مسئله الخلاف نیست.

متن (۹۰۶): وبهذا الاسناد: «ان عليا (عليه السلام) قال: ليس على المجذوم، ولا على صاحب الحصبة، حد حتى يبرأ»^۱.

متن (۹۰۷): وبهذا الاسناد: أن عليا (عليه السلام)، قال: «ليس على صاحب القروح الكثيرة حد حتى يبرأ، أخاف أن أنكأ عليه قروحه فيموت، ولكن إذا برأ حددناه»^۲.

تحلیل

اول: موضوع دو متن ۹۰۶ و ۹۰۷ به تأخیر انداختن اجرای حد از مبتلایان به بیماری های خاص و واگیر چون جذام و حصبه و دارنده زخم های زیاد در بدن است و جمله «أخاف أن أنكأ عليه قروحه فيموت» در متن اخیر به علت وقوع مرگ در بیماری زخم اشاره دارد که بر اثر زدن شلاق موجب تشدید و سریان خون و مرگ بیمار می شود، اما درباره دو بیماری جذام و حصبه به علتی اشاره نشده است.

دوم: با توجه به نکات پیشین این متن نیز تطبیق پذیر بر مسئله الخلاف نیست.

۱-۵. الکافی محمد بن یعقوب کلینی (۲۵۸ - ۳۲۹ ق)

کتاب الحدود، باب «الرجل يجب عليه الحد وهو مريض أو به قروح»

کلینی در این باب پنج حدیث روایت کرده است که متون ذیل - به ترتیب شماره های حدیث در این باب - در پیوند با مسئله کتاب الخلاف هستند، اما الزاماً همان یا مشابه اصل مسئله نیستند:

متن (۱)... عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبَّادٍ الْمَكِّي: قَالَ قَالَ لِي سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ إِنِّي أَرَى لَكَ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْزِلَةً فَسَلُّهُ عَنْ رَجُلٍ زَنَى وَهُوَ مَرِيضٌ إِنْ أُفِيمَ عَلَيْهِ الْحَدُّ مَاتَ مَا تَقُولُ فِيهِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ هَذِهِ الْمَسْأَلَةُ مِنْ تَلَقُّاءِ نَفْسِكَ أَوْ قَالَ لَكَ إِنْسَانٌ أَنْ تَسْأَلَنِي عَنْهَا فَقُلْتُ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ سَأَلَنِي أَنْ أَشْأَلَكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَى بِرَجُلٍ اخْتَبَنَ مُشْتَشَقِي الْبَطْنِ قَدْ بَدَتْ عُرُوقُ فَخَذَيْهِ وَقَدْ زَنَى بِامْرَأَةٍ مَرِيضَةٍ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَعْدَ ذَلِكَ فِيهِ مِائَةَ شِمْرَاخٍ فَضُرِبَ بِهِ

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۶۸.

الرَّجُلُ ضَرْبَةً وَضُرِبَتْ بِهِ الْمَرْأَةُ ضَرْبَةً ثُمَّ خَلَى سَبِيلَهُمَا ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَأُخَذَ بِيَدِكَ ضِعْثًا فَأَضْرَبَ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ».

متن (۳). ... عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع بِرَجُلٍ أَصَابَ حَدًّا وَبِهِ قُرُوحٌ فِي جَسَدِهِ كَثِيرَةٌ فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَخْزَوْهُ حَتَّى يَبْرَأَ لَا تَنْكُزُوهَا عَلَيْهِ فَتَقْتُلُوهُ.

متن (۴). ... عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَتَى رَسُولُ اللَّهِ ص بِرَجُلٍ دَمِيمٍ قَصِيرٍ قَدْ سُقِيَ بَطْنُهُ وَقَدْ دَرَّتْ عُزُوقُ بَطْنِهِ قَدْ فَجَرَ بِامْرَأَةٍ فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ مَا عَلِمْتُ بِهِ إِلَّا وَقَدْ دَخَلَ عَلَيَّ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَزْنَيْتَ فَقَالَ نَعَمْ وَلَمْ يَكُنْ أَحْصَنَ فَصَعَّدَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَصْرَهُ وَخَفَضَهُ ثُمَّ دَعَا بِعَدْقٍ فَعَدَّهُ مِائَةً ثُمَّ ضَرْبَةً بِشِمَارِيخِهِ.

متن (۵). ... عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَتَى بِرَجُلٍ أَصَابَ حَدًّا وَبِهِ قُرُوحٌ وَمَرَضٌ وَأَشْجَبَاهُ ذَلِكَ فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَخْزَوْهُ حَتَّى يَبْرَأَ لَا تُنْكَزُوا قُرُوحَهُ عَلَيْهِ فَيَمُوتَ وَلَكِنْ إِذَا بَرَأَ حَدُّنَاهُ.

تحلیل

اول: متن‌های شماره ۳ و ۵ در تعیین نوع حد دارای ابهام است و تصریح در ارتکاب عمل زنا از سوی شخص ندارد و کلینی نیز در عنوان باب تصریح در اختصاص آن به زنا ندارد؛ بنابراین با وجود اشتراک کلی در عنوان مریض با موضوع مسئله الخلاف، تناسب تام موضوع ندارد؛ وانگهی در این دو متن حکم به تأخیر اجرای حد تا حصول سلامتی بیمار داده شده است، ولی در مسئله الخلاف مجازات به ترکه صلتایی تبدیلی شده و حد اجرا شده است؛ بنابراین وحدت حکم نیز با یکدیگر ندارند؛ از این رو این دو متن نمی‌توانند مستند حدیثی مدنظر شیخ طوسی در الخلاف باشند.

دوم: متن‌های ۱ و ۴ از حیث حکم و ابزار اجرا در پیوند با حکم و ابزار اجرای حد با مسئله هجده الخلاف است؛ با این تفاوت که در متن ۴ اساساً به لفظ مریض اشاره نشده است، اما در متن ۱ این اوصاف آمده است.

سوم: با چشم‌پوشی از تفاوت‌های جزئی اوصاف مرد زناکار در متن‌های ۱ و ۴ با یکدیگر، تنها وجه ارتباط این دو با مسئله الخلاف، رابطه مصداق با عنوان کلی مریض است؛ زیرا از ویژگی‌های بارز مریض در مسئله الخلاف، بکربودن و در شرف مرگ بودن به دلیل شدت مریضی

است که در متن‌های ۱ و ۴ به این دو ویژگی اشاره نشده است. متن‌های ۱ و ۴ در اوصاف ظاهری زناکار بیمار تا حدودی با یکدیگر همسان هستند، به‌ویژه به وصف برجسته شدن رگ‌های ران بیمار بر اثر بیماری تأکید دارند؛ ولی مسئله الخلاف اساساً به این نوع اوصاف بدن زناکار متعرض نشده است.

چهارم: متن شماره ۱ به دلیل استناد به آیه سوگند آیوب (ع) در بخش پایانی آن با فتوای شیخ طوسی در مسئله الخلاف انطباق دارد.

پنجم: متن شماره ۱ در بیان اجرای حد بر زن بیمار در جمله «وَضُرِبَتْ بِهَ الْمَرْأَةُ ضَرْبَةً» با متون مسائل علی بن جعفر و قرب الإسناد تعارض دارد؛ زیرا جمله «ولم يضرب المرأة» در این دو کتاب صریح در این معناست که حد بر زانیه اجرا نشد. در منابع دیگر - الجعفریات - نیز به اجرای حد بر زانیه اشاره‌ای نشده است. از جمله راهکارهای رفع این تعارض این است که به تعدد مسئله‌های این دو روایت قائل شویم یا جمله «وَضُرِبَتْ بِهَ الْمَرْأَةُ ضَرْبَةً» را افزوده توضیحی راوی یا ناسخ کتاب بدانیم.

۵۱۱

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱-۶. دعائم الإسلام قاضی نعمان مغربی (۲۸۳ - ۳۶۳ق)

کتاب الحدود، فصل ذکر حد الزانی والزانیة.

متن (۱۵۷۶) و عن علی (ع) أنه سئل عن حد الزانیین البکرین، فقال: جلد مائة وتلاقول الله: الزانیة والزانی فاجلدا کل واحد منهما مائة جلدة. قال جعفر بن محمد (ع): وجلد الزانی من أشد الجلد، وإذا جلد الزانی البکر نفی عن بلده سنة بعد الجلد، وإن كان أحد الزانیین بکراً والآخر ثیباً جلد کل واحد منهما مائة جلدة ونفی البکر منهما ورجم الثیب. والبکر هو الذی لیس له زوج من رجل أو امرأة، والثیب ذو الزوج منهما.^۱

تحلیل

اول: موضوع این متن، زناکار مجرد است و از این حیث با یکی از اوصاف مسئله الخلاف در پیوند است؛ ولی به دلیل اینکه وصف بیماری در آن وجود ندارد، نمی‌تواند مستند مسئله الخلاف باشد.

۱. قاضی نعمان مغربی، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۵۱.

دوم: این متن بیان‌کننده قاعده‌ای کلی است که حکم اولیه زناکار بکر با استناد به قرآن کریم همان جلد - به معنای متعارف آن در عصر نزول قرآن - است. در متن به نوع جلد - برای مثال شاخه درخت خرما یا ترکه صدتایی از چوب خشک و همانند این دو - اشاره نشده است و متن از این حیث ساکت است؛ بنابراین مقصود از آن همان شیوه اجرای حد در سنت و سیره نبوی است.

متن (۱۵۸۱). «وعن رسول (ص) أنه أتى برجل عليل قد حبن واستسقى بطنه وبدت عروقه وهو مريض مدنف قد أصاب حداً، فقال له: (صلع) لقد كان لك في نفسك شغل عن الحرام، فقال: يا رسول الله، أتاني أمر لم أكن أملكه. فأمر (صلع) بعرجون فيه مائة شمراخ فضربه ضربة واحدة. قال جعفر بن محمد (ع): وذلك قول الله «وخذ بيدك ضغثاً فاضرب به ولا تحنث». هذا والله أعلم إنما يفعل بمن كان عليلاً قد بئس من برئها، فأما إن كان ممن ترجى له الإفاقة أمهل حتى يفيق، ثم أقيم عليه الحد.^۱

تحلیل

اول: این متن مشابه متون پیشین و به‌ویژه به دلیل ذکر «مريض مدنف»، «... شغل عن الحرام...» تشابه زیادی با متن الجعفریات دارد؛ ولی در مجرد بودن وی و نوع بزه ارتكابی ساکت است.

دوم: تعبیر «أصاب حداً» در بیان نوع بزه ارتكابی مرد علیل و بیمار اطلاق دارد و الزاماً به معنای ارتكاب زنا نیست؛ از این رو با متن الكافی از این حیث تفاوت دارد؛ زیرا در الكافی جمله «وَقَدْ زَنَى بِأَمْرَةٍ مَرِيضَةٍ ابهام «أصاب حداً» در صدر روایت را برطرف می‌کند.

دوم: جمله پایانی متن «هذا والله أعلم...» در هیچ‌کدام از متون پیشین نیست و سیاق متن نشان می‌دهد که افزوده توضیحی مغربی است. مغربی در این افزوده تأکید دارد که حکم مندرج در این حدیث درباره بیماری است که امیدی به بهبودی بیماری اش نباشد؛ بنابراین برای احتراز از فوت اجرای حد، یک بار ترکه صدتایی بر بدن وی نواخته می‌شود.

متن (۱۵۸۲). روینا عن علی (ع): ليس على المجذور ولا على صاحبة الحصبة حد حتى يبرأ. إني أخاف أن أقيم عليه الحد فتنكا قروحه ويموت، ولكن إذا برئ حددناه.^۲

۵۱۲

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. قاضی نعمان مغربی، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۵۲.

۲. همان.

تحلیل

اول: بر پایه این متن اجرای حد شلاق بر بیماران خاص که مشکل پوستی دارند تا بهبود بیماری به تأخیر می‌افتد؛ زیرا احتمال می‌رود که بر اثر اجرای حد، زخم‌های پوست این بیماران تشدید و سبب مرگ آنها شود.

دوم: متن در مقام بیان قاعده کلی حکم از حیث بیماران خاص است و درباره دیگر اوصاف این افراد در مقام بیان نیست.

سوم: بر عکس این متن، مسئله الخلاف به بیماری پوستی تصریح ندارد و به اجرای حد نیز به دلیل احتمال مرگ بیمار بر اثر شدت بیماری تأکید می‌کند؛ بنابراین با این متن انطباق ندارد.

۷-۱. کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق (۳۰۶ - ۳۸۱ ق)

کتاب الحدود و التعزیرات، باب: ما یجب به التعزیر والحد والرجم والقتل والنفی فی الزنا.

۵۱۳

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

متن (۵۰۰۷): «وروی الحسن بن محبوب، عن حنان بن سدير قال: «إن عباد المکی قال: قال لی سفیان الثوری: أری لك من أبی عبدالله (علیه السلام) منزلة فأسأله عن رجل زنی وهو مریض فإن أقیم علیه الحد خافوا ان یموت ما تقول فیه؟ قال: فسألته فقال لی: هذه المسألة من تلقاء نفسك أو أمرك إنسان أن تسأل عنها؟ فقلت له: إن سفیان الثوری أمرنی أن أسألك عنها، فقال: إن رسول الله (صلی الله علیه وآله) اتی برجل أحبن قد استسقى بطنه ویدت عروق فخذیه وقد زنی بامرأة مریضة فامر رسول الله (صلی الله علیه وآله) فاتی بعرجون فیه مائة شمراخ فضربه به ضربه واحدة وضربها به ضربة واحدة وخلی سبیلهما وذلك قول الله عز وجل: فخذ بيدك ضغثا فاضرب به ولا تحنث»^۱.

تحلیل

اول: این متن مشابه متن الکافی کلینی است که شیخ صدوق آن را از طریق مشایخ خود از کتاب حسن بن محبوب روایت کرده است.

دوم: جمله «وضربها به ضربة واحدة» همانند جمله «وَضَرَبَتْ بِهِ الْمَرْأَةُ ضَرْبَةً» در متن شماره ۱ الکافی، در متون پیش از الکافی کلینی وجود ندارد که توضیح آن پیش تر بیان شد.

۱. شیخ صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸.

متن (۵۰۰۸): «وروی موسی بن بکر، عن زرارة قال: قال أبو جعفر (ع): «لو أن رجلاً أخذ حزمة من قضبان أو أصلاً فيه قضبان فضربه ضربة واحدة أجزاءً عن عدة ما يريده أن يجلد من عدة القضبان»^۱.

تحلیل

اول: بر اساس دلالت «أن يجلد» و عنوان باب، موضوع این حدیث درباره «جلد: شلاق» در جرایم موجب حد شرعی است و با «أجزاء عن...» به قاعده اجزا یا کفایت ترکیه بدل از شلاق دلالت دارد؛ به جای تعدادی از شلاق می توان از شاخه یا ترکیه چوبی با همان تعداد شلاق ها استفاده کرد.

دوم: بر پایه این متن کوبیدن یک باره بسته ای از شاخه بریده درخت یا ریشه ای دارای چند شاخه بر بدن محکوم به حد به جای شلاق کافی است و نیازی به شلاق های مستقل نیست.

سوم: مفاد جمله «أن يجلد من عدة القضبان» آشکارا دلالت دارد که ابزار پایه برای اجرای حد جلد همان ترکیه چوبی است که از شاخه درخت درست می شود.

چهارم: اطلاق ظاهر این حدیث با نصوص بیان کننده حد زنا که بر تفکیک صد ضربه شلاق تصریح دارند، در تعارض است؛ مگر اینکه گفته شود موضوع حدیث اجرای حد زنا در خصوص زناکار علیل و مریض است به شرطی که امیدی به بازگشت سلامتی و توان در زناکار نباشد و حاکم شرع نیز مصلحت را در اجرای حد بداند؛^۲ در صورت فقدان این قیود و شرایط هیچ تفاوتی میان زناکار سالم و مریض عادی در اجرای حد زنا وجود ندارد و تبدیل صد ضربه شلاق به ترکیه صدتایی جایز نیست.^۳

پنجم: این متن فاقد استناد به آیه سوگند ایوب (ع) است.

۵۱۴

آینده پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. همان.

۲. محمد حسن جواهری، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۴۱. البته استدلال به این روایت در صورتی است که آن را قضیه حقیقه بدانیم و شخصیه بودن آن منتفی باشد؛ زیرا محتمل است که رسول خدا (ص) با لحاظ شرایط خاص زناکار مد نظر در روایت یا از باب حکم حکومتی و ولایی چنین حکمی را صادر فرموده باشند. به هر حال تعمیم آن به دیگر زناکاران مریض می تواند باب فرار از اجرای حکم اولیه حد زنا را توسعه ببخشد و حتی راه را برای حيله نیز فراهم کند؛ بنابراین اصل را باید بر همان حکم اولیه نهاد.

۳. بنگرید: نووی، المجموع، ج ۲، ص ۴۳ - ۴۵.

۸-۱. کتاب المقنع شیخ صدوق (۳۰۶ - ۳۸۱ ق)

متن (۱): وأُتِيَ رسول الله - صَلَّى الله على وآله وسلم - برجل كبير البطن عليل قد زنى، فأتى رسول الله - صَلَّى الله على وآله وسلم - بعرجون فيه مائة شمراخ، فضربه ضربة واحدة فكان الحد، وكره أن يبطل حداً من حدود الله.^۱

متن (۲): وقال أبو جعفر - عليه السلام -: لو أن رجلاً أخذ حزمة من قضبان أو أصلاً فيه قضبان، فضربه ضربة واحدة أجزأه من عدة ما يريد أن يجلد به عدة القضبان.^۲

تحلیل

اول: این متن تلخیص و نقل به مضمون متن ۱ کتاب من لایحضره الفقیه است؛ البته «فكان الحد، وكره أن يبطل حداً من حدود الله» توضیح شیخ صدوق است که در پایان این متن افزوده است و در متن قبلی وجود ندارد.

دوم: متن شماره ۲ همان متن کتاب من لایحضره الفقیه بدون هیچ گونه تغییر و نقل به معناست. سوم: المقنع فقه فتوایی شیخ صدوق بر اساس احادیث همراه با توضیحات ایشان در شماری از متون احادیث است؛ بنابراین در متن احادیث تلخیص و نقل به معنا انجام گرفته است و غالب متون این کتاب اقتباس از متن احادیث اهل بیت است.

۹-۱. تهذیب الأحکام شیخ طوسی (۴۶۰ ق)

متن (۱۰۷): عنه عن الحسن عن زرعة عن سماعة عن أبي عبد الله عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عن النبي صلى الله عليه وآله انه اتى برجل كبير البطن قد أصاب محرماً فدعا رسول الله صلى الله عليه وآله بعرجون فيه مائة شمراخ فضربه مرة واحدة فكان الحد.^۳

تحلیل

اول: متن با متون الکافی و کتاب من لایحضره الفقیه تفاوت هایی دارد: اشاره نشدن به بیماری

۱. شیخ صدوق، المقنع، ص ۴۳۳.

۲. همان، ص ۴۳۳ - ۴۳۴.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۲.

مرد، تصریح نکردن به ارتکاب عمل زنا، اشاره نکردن به دلیل قرآنی حکم، نبود تعبیر «فكان الحد» در متن الکافی.

دوم: تعبیر «کبیر البطن» الزاماً بیان کننده بیماری شخص نیست و می تواند حکایت از وضعیت طبیعی و عادی فرد باشد که شکم گنده ای داشت.

سوم: تعبیر «أصاب محرماً» صریح در زنا نیست و بر دیگر بزه های مستلزم حد نیز اطلاق پذیر است.

چهارم: متن اشاره ای به علت تبدیل حد شلاق به ترکه صدماتی از شاخه درخت خرما ندارد.

متن (۱۰۸): عنه عن الحسن بن محبوب عن حنان بن سدير ان عباد المكي قال: قال لي سفيان الثوري: أرى لك من أبي عبد الله عليه السلام منزلة فأسأله عن رجل زنى وهو مريض فان أقيم عليه الحد خافوا ان يموت ما تقول فيه؟ قال فسأله فقال لي هذه المسألة من تلقاء نفسك أو أمرك انسان ان تسأل عنها؟ قال: قلت: ان سفيان الثوري امرني ان أسألك عنها قال: فقال: ان رسول الله صلى الله عليه وآله أتى برجل كبير قد استسقى بطنه وبدت عروق فخذه وقد زنى بامرأة مريضة فأمر رسول الله صلى الله عليه وآله فأتى بعرجون فيه مائة شمراخ فضربه ضربة واحدة وضربها ضربة واحدة وخلي سبيلهما وذلك قوله عز وجل " وخذ بيدك ضغثا فاضرب به ولا تحنث.^۱

۵۱۶

آیه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

تحلیل

اول: در متن الکافی «بِرَجُلٍ احْتَبَنَ مُسْتَسْقَى الْبَطْنِ» آمده است؛ ولی در این متن «برجل کبیر» است که از نظر معنا و مصداق یکسان نیستند. تعبیر «فاتی بعرجون» در الکافی نیامده است. در الکافی «ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ» آمده است؛ ولی در این متن به جای آن «وذلك قوله عز وجل» است.

دوم: متن با فرض مسئله الخلاف در اصل بیماری منجر به مرگ مرد زناکار انطباق دارد؛ ولی درباره تجرد و تأهل وی ساکت است، اما در الخلاف به بکر و مجرد بودن زناکار تصریح شده است.

متن (۱۰۹): یونس بن عبد الرحمن عن أبان بن عثمان عن أبي العباس عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله برجل دميم قصير قد سقى بطنه وقد در عروق بطنه قد

فجر بامرأة فقالت المرأة ما علمت الا وقد دخل علي فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: أزنيت؟ قال: نعم ولم يكن محصنا فصعد رسول الله صلى الله عليه وآله بصره وخفضه ثم دعا بعذق فعده مائة شمراخ ثم ضربه بشماريخه.^۱

تحلیل

اول: همان متن شماره ۴ الکافی کلینی است.
دوم: متن اشاره‌ای به بیماری منجر به مرگ زناکار ندارد.
سوم: متن به تک ضرب بودن ضربه ترکۀ صدتایی شاخه درخت خرما تصریح ندارد.

متن (۱۱۰): أحمد بن محمد عن أبي همام عن محمد بن سعيد عن السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام قال أتى أمير المؤمنين عليه السلام برجل أصاب حداً وبه قروح في جسده كثيرة فقال أمير المؤمنين عليه السلام: اقروه حتى يبرأ لا تنكؤها عليه فتقتلوه.^۲

متن (۱۱۱): سهل بن زياد عن محمد بن الحسن بن شمون عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصبم عن مسمع بن عبد الملك عن أبي عبد الله عليه السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام أتى برجل أصاب حداً وبه قروح ومرض وأشباه ذلك فقال أمير المؤمنين عليه السلام: أخروه حتى يبرأ لا تنكأ قروحه عليه فيموت ولكن إذا برئ حددناه.^۳

تحلیل

اول: هر دو متن اخیر مشابه مضمون متن ۹۰۶ و ۹۰۷ الجعفریات، متن شماره ۳ و ۵ الکافی و متن (۱۵۸۲) دعائم الاسلام است.

دوم: شیخ طوسی در حل تنافی میان این دو متن با احادیث پیشین این باب در اجرای حد با ترکۀ صدتایی شاخه درخت خرما بر این باور است که اجرای حد در اختیار امام است که بر اساس رأی خودش اجرای حد را بنا به مصلحتی تقدیم یا به تأخیر می‌اندازد؛ بنابراین میان احادیث بیان‌کننده سیره نبوی در اجرای حد بر شخص مریض با احادیث علوی در تأخیر حد تعارضی وجود ندارد؛ زیرا در اولی مصلحت در اجرای حد بود: «لا تنافی بین هذین الخبرین و بین

۱. همان، ص ۳۲ - ۳۳.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. همان.

ما قدمناه من الاخبار من أن النبی صلی الله علیه وآله ضرب المريض بعذق فيه مائة شمرخ لأنه إذا كان إقامة الحد إلى الامام فهو یقیمها علی حسب ما یراه، فان كانت المصلحة تقتضی اقامتها فی الحال أقامها علی وجه لا یؤدی إلى تلف نفسه كما فعل النبی صلی الله علیه وآله، وان اقتضت المصلحة تأخیرها اخرها إلى أن یبرأ ثم یقیم علیه الحد علی الکمال^۱. این راهکار زمانی صحیح است که بپذیریم اساساً موضوع این دو دسته اخبار با یکدیگر یکسان هستند؛ زیرا در تعارض اشتراک طرفین تعارض در موضوع شرط است و اگر اثبات شود که موضوع این دو دسته اخبار با یکدیگر متفاوت است، دیگر تعارض منتفی خواهد بود.

دست‌آورد

این پژوهش به منظور بازیابی اجتهادی مستندات حدیثی فقه استدلالی امامیه، مسئله هجده کتاب الخلاف شیخ طوسی را به عنوان آزمون نظریه بازیابی انتخاب کرد و بر پایه اصول و قواعد بازیابی اجتهادی نصوص فقهی، به بازیابی علمی و روشمند مستندات حدیثی مدنظر شیخ طوسی در عبارت «اخبارهم» در مسئله هجده الخلاف پرداخت. این مهم طی فرایندی حلقوی از تحلیل مسئله تا حدس مستندات حدیثی در جستارهای دوم و سوم انجام پذیرفت. در این فرایند پژوهشگر ابتدا با درنگ در متن فقهی الخلاف به تفسیری شفاف از مسئله، حکم و دلایل فتوای فقیه دست یافت و تلاش نمود تا مفاهیم اساسی مسئله را استخراج نماید و به تصور مفهومی دقیقی از ذهنیت شیخ طوسی در تقریر مسئله و بیان حکم آن دست پیدا کند؛ سپس با متدلوژی خاص بازیابی اجتهادی به تخریج نصوص اولیه مستند فتوای شیخ طوسی با استفاده از تلفیق روش لفظی - مفهومی اقدام کرد و به متون مشابه در نه منبع شیعی پیش از تألیف کتاب الخلاف دست یافت. پژوهشگر در فرایند رفت و برگشت میان مفاهیم مسئله با یافته‌های اولیه به مقایسه و سنجش پرداخت و در تحلیل هر متن وجه تشابه یا تفاوت آن را با مسئله هجده الخلاف بیان نمود. در این فرایند تحلیل تطورات متنی مسئله از مصادر اولیه تا کتاب الخلاف و کشف زمینه‌ها و علل تغییرات احتمالی متون مسئله مدنظر پژوهشگر بود.

فرضیه پژوهشگر در حدس مستندات حدیثی شیخ طوسی عبارت است از: به دلیل تفاوت متون مستخرج هیچ‌کدام از آنها به عنوان مستند تام و دقیق مسئله الخلاف قابل ارائه نیست و شیخ طوسی حکم مسئله را از متون مشابه پیشین آن در منابع شیعی تنقیح مناط نموده است.

هیچ‌کدام از متون صریح در مسئله الخلاف نیستند، اما در این میان یک متن تشابه زیادی با فرض مسئله و فتوای شیخ طوسی دارد که در غالب منابع شیعی پیش از شیخ طوسی گزارش شده است و به احتمال زیاد از جمله مستندات یا مستند پایه شیخ طوسی در مسئله هجده الخلاف بوده است. شیخ طوسی این متن را از سه طریق سماعه، عباد مکی و ابوالعباس از امام صادق (ع) روایت کرده است که مضمون آن سنت رسول خدا (ص) در اجرای حد زنا بر مردی با اوصاف مشابه به مسئله الخلاف است. این متن هرچند مشابهتی در ساختار، متن و حکم با دلیل حدیثی عامه در مسئله هجده دارد، تفاوت‌هایی نیز با آن دارد. تعبیر «اخبارهم» از باب تسامح در بیان است و دلالتی بر تعدد و تکرار احادیث امامیه در این موضوع ندارد؛ زیرا هر سه حدیث مذکور در تهذیب الاحکام درواقع بیش از یک حدیث نیست و در صدور و محتوا با یکدیگر اتحاد دارند؛ هرچند که طریق و اسناد روایت آنها متنوع است و شاید به همین دلیل شیخ از تعبیر «اخبارهم» بهره جسته است. بنابراین حدیث زراره از امام باقر (ع) - متن (۵۰۰۸) کتاب من لایحضره الفقیه - هرچند با ظاهر فتوای شیخ طوسی در مسئله هجده الخلاف همسویی دارد و از سوی کلینی و شیخ صدوق نیز گزارش شده است، بنا به دلایلی از جمله گزارش نشدن آن در جوامع حدیثی شیخ طوسی نمی‌تواند مستند حدیثی شیخ طوسی در این فتوا باشد.

کتاب نامه

قرآن کریم

ابن اثیر، مجدالدین؛ النهاية فی غریب الحديث والأثر؛ قم: إسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.
ابن اشعث کوفی، محمد؛ الجعفریات / الأشعثیات؛ تحقیق: مشتاق صالح المظفر؛ كربلا: عتبة الحسینیة، ۲۰۱۳ م.

ابن العربی، ابوبکر محمد بن عبدالله؛ احکام القرآن؛ بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر، [بی تا].
ابن جعفر، علی؛ مسائل علی بن جعفر؛ مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا (ع)، ۱۴۰۹ ق.
ابن حسین، یحیی؛ الأحکام؛ [بی جا]: [بی تا]، ۱۴۱۰ ق.
ابن حنبل، احمد؛ مسند احمد؛ لبنان: دار صادر، [بی تا].
ابن سلام، ابوعبید قاسم؛ غریب الحديث؛ بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۳۸۴ ق.
ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ المناقب لآل ابی طالب؛ نجف اشرف: المكتبة الحیدریة، ۱۹۵۶ م.
ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق: عبدالسلام هارون؛ قم: مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
ابن ماجه، محمد بن یزید؛ السنن؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
ابن مبارک، عبدالله؛ مسند ابن مبارک؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۱ م.
ابن منظور، محمد؛ لسان العرب؛ قم: ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
بیهقی، أحمد؛ السنن الکبری؛ بیروت: دار الفكر، [بی تا].
ترمذی، محمد؛ سنن ترمذی؛ بیروت: دار الفكر، ۱۹۸۳ م.
جواهری، محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ ش.
جوهری، اسماعیل؛ الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۵۶ م.
حاکم نیسابوری، ابوعبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
حر عاملی، محمد؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ ق.
حربی، ابواسحاق؛ غریب الحديث؛ جده: دار المدينة، ۱۹۸۵ م.
حلی، حسن؛ تذکرة الفقهاء؛ قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ ق.
حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الإسناد؛ قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۳ ق.
دوانی، علی؛ هزاره شیخ طوسی؛ تهران: دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۴۹ ش.
زارع کمپانی، مهدی؛ طوسی پژوهی؛ تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۲ ش.
سجستانی، سلیمان بن الأشعث؛ سنن ابی داود؛ بیروت: دار الفكر، ۱۹۹۰ م.
شافعی، محمد؛ أحکام القرآن؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۰ ق.
شافعی، محمد؛ المسند؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی تا].
شافعی، محمد؛ کتاب الأم؛ بیروت: دار الفكر، ۱۹۸۳ م.
شیخ صدوق، محمد؛ المقنع؛ قم: مؤسسة الإمام الهادی (ع)، ۱۴۱۵ ق.

۵۲۰

آینة پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

شیخ صدوق، محمد؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، [بی تا].
صنعانی، عبدالرزاق؛ المصنّف؛ [بی جا]، منشورات المجلس العلمی، [بی تا].
طوسی، محمد؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ لبنان: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
طوسی، محمد؛ الخلاف؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷ق.
طوسی، محمد؛ المبسوط؛ طهران: المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية، ۱۳۸۷ش.
طوسی، محمد؛ تهذیب الاحکام؛ طهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۵ش.
طوسی، محمد؛ عدة الأصول (طج)؛ قم: ستاره، ۱۴۱۷ق.
طیالسی، سلیمان بن داود؛ مسند الطیالسی؛ بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
فراهیدی، خلیل؛ العین؛ تهران: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ طهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۶۵ش.
کوفی، ابن أبی شیبہ؛ المصنّف؛ بیروت: دار الفکر، ۱۹۸۹م.
محقق حلی، جعفر؛ شرائع الاسلام؛ طهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق.
مغربی، قاضی نعمان؛ دعائم الإسلام؛ قاهره: دار المعارف، ۱۹۶۳م.
مفید، محمد؛ احکام النساء؛ بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۹۹۳م.
مفید، محمد؛ المقتنعه؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
نسائی، احمد؛ السنن الکبری؛ بیروت: دار الكتب العلمیه، ۱۹۹۱م.
نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ بیروت: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، [بی تا].
نووی، محیی الدین؛ المجموع؛ بیروت: دار الفکر، [بی تا].
نووی، محیی الدین؛ شرح صحیح مسلم؛ بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
نیسابوری، مسلم؛ صحیح مسلم؛ بیروت، دار الفکر، [بی تا].
واعظزاده خراسانی، محمد؛ زندگی آیت الله العظمی بروجردی؛ تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ش.
واعظزاده خراسانی، محمد؛ یادنامه شیخ طوسی؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴ش.